

واکاوی دگرگونی و پایداری منابع هویت در بین مردمان اورامان:

مبنتی بر روش نظریه پردازی داده بنیاد

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۵، شماره دو: ۴۵۶-۴۳۱

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمابه در ISC

ابراهیم فیاض

دانشیار گروه مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

امیلیا نرسیسیانس

دانشیار گروه مردم‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

احمد نادری

عضو هیات علمی گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

نافع باباصفیری^۱

دکتری مردم‌شناسی دانشگاه تهران

پذیرش ۹۶/۱۲/۷

دریافت ۹۶/۱/۲۲

چکیده

این مقاله به بررسی کیفی دگرگونی و پایداری منابع هویت در بین مردمان منطقه اورامان می‌پردازد. منطقه اورامان محل تلاقی منابع هویت‌های متفاوتی بوده است این تلاقی، کنشگران اورامی را ناگزیر به دگرگونی و پایداری نموده است و این شرایط، آنان را با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی روبرو نموده است. این پژوهش در تلاش است که زمینه‌ها، دلالت‌ها، راهبردها و پیامدهای دگرگونی و پایداری منابع هویت مردمان اورامی را بررسی نماید روش‌شناسی این پژوهش کیفی می‌باشد و در آن از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است ابزار تحلیل داده‌ها نیز نرم‌افزار اطلس‌تی بوده است. نمونه‌گیری با روش هدفمند و حداکثر تنوع انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «گسستگی در امکان ترکیب منابع هویت» به عنوان مقوله هسته شناسایی شده است. هم چنین مفاهیم و مقولات شناسایی شده ذیل شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدی به عنوان مدل پارادایمی و خروجی پژوهش ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: منابع هویت، دگرگونی هویت، پایداری هویت، نظریه داده‌بنیاد، اورامان

مقدمه

در حالی که همواره تلاش برای تعریف هویت و ابعاد مختلف آن صورت گرفته است اما مانند بسیاری از مفاهیم جدی دیگر در علوم انسانی، در باب هویت نیز با اجماع نظری روبرو نیستیم و البته که نباید هم روبرو بود چرا که ویژگی تفهم همین است اما می‌توان با بررسی افق‌های پیشین و ارائه‌ی افق‌های نو به چشم‌اندازهای شفاف‌تری دست یافت هم چنان که صاحب‌نظران حوزه هویت در رشته‌های مختلف، همواره تلاش نموده‌اند تا بتوانند با ارائه چاقوب‌های نظری، پدیده‌های هویتی را تبیین و تفسیر نمایند و بدون شک این تلاش‌ها این امکان را برای بهبود تعاملات انسانی و ارتقای سطوح مختلف برنامه‌ریزی اجتماعی تا حدی فراهم نموده است آن چنان که در حوزه علوم اجتماعی؛ دورکیم با دو مفهوم «همبستگی مکانیکی»^۱ و «همبستگی ارگانیک»^۲؛ مید و کولی با ارائه و بازتعریف «خود»^۳؛ تاجفل و ترنر با هویت اجتماعی و عضویت گروهی؛ روزنبرگ با «خود» و «خودانگاره»^۴؛ کاستلز با چگونگی ساختن هویت در بستر قدرت و جریان «جهانی‌شدن»^۵؛ گیدنز با مفاهیم «خود» و «بازاندیشی»^۶ در جهان مدرن؛ بوردیو و جنکینز نیز با تلفیق سطوح خرد و کلان، سعی در ارائه‌ی افق‌های گسترده‌ای از مفهوم هویت نموده‌اند. این افق‌های گسترده تا جایی پیش می‌روند که بخشی از آن‌ها شکل «فراروایت»^۷ به خود می‌گیرند و حداقل به طور ضمنی مدعی شناخت هویت کنشگران مختلف در مکان و زمان‌های گوناگون می‌شوند اگر چه این افق‌ها برای شناخت ما از هویت ضروری هستند اما می‌توان از افق‌های محدود و روشن‌تری نیز مدد جست.

تلاش برای بازشناسی هویت و منابع هویتی با تأکید بر زیست جهان کنشگران با مسائل پیچیده‌ای روبرو می‌باشد چرا که کنشگران جهان کنونی، با تنوع منابع هویت روبرو هستند و جریان تعاملات گسترده، نحوه انتخاب این منابع هویتی و ترکیب آن‌ها را دشوار ساخته است در حالی که مسئله هویت و منابع آن به اشکال گوناگون همواره پیش روی بشریت بوده است اما به نظر می‌رسد در طول یک سده اخیر، کنشگران به گونه‌ی فزاینده‌ای با پیچیدگی هویت و منابع

1 Mechanical Solidarity

2 Organic Solidarity

3 Self

4 Self concept

5 Globalization

6 reflexivity

7 Meta Narrative

هویتی خود روبرو هستند. بدون تردید اضافه شدن عناصر جهان مدرن بیش از آن که صرفاً یکی از منابع هویت باشد توانسته است چالش‌ها و فرصت‌هایی به منابع هویت پیشین بیفزاید و به تبع آن منجر به افزایش دگرگونی و پایداری در منابع هویت شده است.

بیان مسئله

منطقه اورامان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین مناطق تاریخی و فرهنگی، همواره محل تلاقی منابع هویتی مختلف بوده است از طرفی بستر تاریخی هویت دینی مردمان اورامان در گذشته خود با میترایسم و زرتشت همراه بوده است و در حال حاضر دین اسلام عمومی‌ترین منبع هویت دینی می‌باشد. هویت قومی و هویت ملی در طول یک و نیم قرن اخیر بسیار مورد توجه بوده است و در طول نیم قرن اخیر نیز هویت مدرن توانسته است با سرعتی خیره کننده به عنوان منبع هویتی نزد کنشگران شناسایی شود و در مجموع، منطقه اورامان از آن مناطق جهان است که با ترکیب چندگانه و پیچیده‌ی از منابع هویتی روبروست. مردمان اورامی در کنار منابع هویتی ملی، قومی، زبانی و مذهبی؛ با شرایط نوینی نیز روبرو هستند. نوسازی، نوگرایی و جهانی شدن مفاهیم مدرنی هستند که با وجود تفاوت‌ها و تمایزات فراوان، به صورت فرآیندی در هم تنیده عموم کنشگران جهان کنونی را دربر گرفته‌اند مردمان اورامی نیز خواسته و ناخواسته در یک سده گذشته و به ویژه دو دهه اخیر با این جریان مواجه بوده‌اند اگر چه شدت و گستردگی این رویارویی در نقاط مختلف منطقه اورامان یکسان نبوده است اما تجربه زیسته نگارنده در مناطق مختلف اورامان نشان از عمومیت داشتن این پدیده دارد و بدیهی است شرایط جدید، جهان هویتی کنشگران اورامی را بیش از پیش پیچیده و مبهم ساخته است و شناخت منابع هویت نیازمند تحقیق و تفحص ریشه‌ای و مداوم می‌باشد تا تغییرات منابع هویت را بتوان شناسایی کرد اما چون در منطقه اورامان چنین پژوهشی صورت نگرفته است پژوهش حاضر در تلاش است که منابع هویتی منطقه اورامان را از دریچه‌ی مردمان اورامی بررسی نماید. بر این مبنا در پژوهش کنونی مسئله اساسی پیش روی پژوهشگر بررسی بسترمنند منابع هویتی مردم اورامان و تبیین دگرگونی و پایداری این منابع خواهد بود و بر مبنای آن چه گفته شد اگر پایداری‌های هویتی به مقاومت و در نتیجه بنیادگرایی؛ و دگرگونی‌های هویتی به تعارضات ارزشی منجر شود ما با بحران هویتی روبرو خواهیم بود و بحران هویت برای جامعه‌ای در حال گذار، شرایط

حداقلی توسعه را نیز به کلی ناپود خواهد کرد به این خاطر بررسی زمینه‌ها، علل و پیامدهای این مسئله ضرورتی انکار ناپذیر می‌باشد.

سؤالات پژوهش

با توجه به مسئله پیش‌رو، سؤالاتی که این پژوهش در پی پاسخ آن‌ها می‌باشد به شرح ذیل می‌باشند:

- مردمان اورامان کدام بخش از منابع هویتی را دگرگون نموده‌اند؟ این دگرگونی در بین کدام بخش از کنشگران بارزتر می‌باشد؟ و دلالت‌های آنان کدامند؟
- مردمان اورامان در کدام بخش از منابع هویتی به پایداری و مقاومت پرداخته‌اند؟ و کدام کنشگران در این حوزه به کنشگری می‌پردازند؟ و نیز دلایل این کنشگری را چه می‌دانند؟
- فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی کنشگرانی که در تلاش برای دگرگونی و پایداری هستند کدامند؟
- امکان ترکیب منابع هویتی موجود در بین کنشگران مختلف در اورامان تا چه حد امکان‌پذیر می‌باشد؟

ادبیات تجربی و نظری

در گزندتئوری دو رویکرد بینادی وجود دارد: رویکرد اول اشتراوسی می‌باشد که ادبیات تجربی و نظری پژوهش حائز اهمیت است و رویکرد دوم که گلیزی می‌باشد اساساً مراجعه‌ای به ادبیات نخواهد شد. با توجه به این که در این پژوهش رویکرد اشتراوسی مد نظر می‌باشد نیازمند ادبیات تجربی و نظری پژوهش می‌باشیم و در ادامه به مرور این دو می‌پردازیم.

مروری بر پیشینه تجربی

عموم پژوهش‌ها با وجود اختلاف نظر در ازلی‌انگاری یا مدرن بودن ملی‌گرایی؛ به وضعیت هویت ملی جوامع مختلف پرداخته‌اند و سنجه‌هایی نیز برای سنجش هویت ملی پیشنهاد شده است که عموماً متکی بر دلبستگی و تعلق خاطر به ملیت و سرزمین خاص بوده است. هم‌چنین میان ناسیونالیسم به معنی ملی‌گرایی با هویت ملی (میهن پرستی) تمایز قائل شده‌اند و به نظر

می‌رسد این تفکیک‌گذاری می‌تواند در پژوهش کنونی راهگشا باشد چرا که این تفکیک می‌تواند شاخص خوبی برای شناخت نوع نگاه مردمان اورامان نسبت به هویت ملی و ملی‌گرایی باشد. پژوهش هاریس و فیندلی (۲۰۱۲) به درستی عنوان می‌کند که هویت قومی «مانند شمشیر دو لبه است» و ممکن است باعث تداوم و انسجام اجتماعی شود یا ممکن است منجر به اختلاف و خشونت در جامعه شود. پژوهش ساخیوا و همکاران (۲۰۱۳)، زبان را عامل کلیدی در هویت قومی می‌داند و این نکته در بین مردمان اورامان که خود را در گام اول به وسیله زبان از دیگران متمایز می‌نمایند حائز اهمیت است. یافته‌های پژوهش ویجور و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشانگر دگرگونی‌هایی در مرزهای هویت قومی بوده است و امروزه در بین مردمان اورامان این مسئله به چشم می‌خورد و بررسی چگونگی دگرگونی هویت قومی ضروری می‌نماید. در پژوهش‌های داخلی نیز هادوی کاشانی و شفیع‌ی نیا (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که ناسیونالیسم قومی در مناطق کردنشین فعال می‌باشد و بخشی از این مسئله متأثر از تبعیض و محرومیت می‌باشد هم چنان که در «فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده در خصوص نقش عوامل مؤثر بر بسیج همگرایانه اقوام» از یزد خواستی و همکاران (۱۳۹۳) و مقصودی (۱۳۸۰) این نتیجه تأیید شده است. لذا بر مبنای پژوهش‌های مذکور باید مسئله هویت قومی و چگونگی پایداری و دگرگونی آن در بین مردمان اورامان با توجه به محرومیت و تبعیض بررسی شود. البته در پژوهش جلایی‌پور (۱۳۷۲) علل تنش‌ها و بحران‌های کردستان در بعد سیاسی بیشتر متأثر از جریان‌های حزبی و موقعیت سیاسی برون مرزی و سیاست ویژه امنیتی داخلی است و در بعد فرهنگی، زبان و آداب و رسوم مورد توجه کردها بوده است و بر مبنای این پژوهش باید علاوه بر بحث محرومیت و تبعیض، باید به عوامل سیاسی و فرهنگی هویت قومی در بین مردمان اورامان نیز پرداخته شود.

پیشینه هویت دینی نیز نشان می‌دهد یکی از عمده‌ترین منابع هویتی عموم انسان‌هاست اما آن چنان که در پژوهش داراچی (۲۰۱۸) و لوونتال و سولیم (۲۰۱۶) مطرح شد؛ در دنیای امروز این منبع هویتی در معرض تغییراتی قرار گرفته است و بخش عمده‌ای از این تغییرات مربوط به مسئله جنسیت و چگونگی سازشی که زنان بین هویت دینی و دیگر منابع هویتی ایجاد می‌کنند این مسئله کاملاً در بین زنان و به ویژه دختران اورامان ایجاد شده است اما یکدست نبوده و به نظر می‌رسد نیاز به دقت نظر و بررسی عمیق‌تر دارد. پژوهش فالت و همکاران (۲۰۱۸) نیز در دو بحث مهاجرت و شبکه‌های دینداران به منطقه اورامان مربوط می

شود. در پژوهش میرزایی، شریعتی و باباصفیری (۱۳۹۴) که به واسطه مشترک بودن بخشی از منطقه مورد مطالعه، می‌تواند پیشینه مناسبی برای این پژوهش باشد مطرح شد که در بخش‌های از نگرش‌ها و رفتارهای دینی تغییراتی رخ داده است عموم این تغییرات به سمت شمول‌گرایی بوده است اما نباید از مقاومت‌هایی که به سمت انحصارگرایی سوق دارد غافل بود چرا که در طول سال‌های اخیر بسیاری از بنیادگرایی‌های دینی که با خشونت نیز همراه بوده است متأثر از انحصارگرایی دینی می‌باشد و نیاز به بررسی بیشتر دارد. در پژوهش کچویان و خسروی (۱۳۹۱) نیز رابطه ناسیونالیسم کردی و مکتب قرآن مطرح شد این دو به عنوان دو منبع هویت قومی و هویت دینی مطرح بوده‌اند و در طول دهه ۵۰ و ۶۰ مشخصاً در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و سنج ملتهب‌ترین نقطه تلاقی این دو منبع هویتی بوده است. به نظر می‌رسد امروزه در کنار شرایط جدیدی که در پژوهش قادرزاده و احمدپور (۱۳۸۹) مطرح شد و عوامل دیگری که بعداً به آن‌ها خواهیم پرداخت؛ این تقابل اشکال دیگری به خود گرفته است.

در پژوهش‌هایی که به عنوان هویت مدرن مطرح شد تلاش شد ارتباط مؤلفه‌هایی چون جهانی شدن و نوسازی و نوگرایی با شکل‌گیری هویت مدرن و در ادامه رابطه این هویت با منابع هویت پیشین و چگونگی پایداری و دگرگونی منابع هویتی بررسی شود. برای نمونه پژوهش بلیتویچ (۲۰۱۸) نشان از تأثیرات گسترده جهانی شدن بر تغییر در منابع هویت می‌باشد. در پژوهش‌های داخلی نیز این حالت دوگانه کماکان وجود داشته است آن چنان که در پژوهش رفعت‌جاه و شکوری (۱۳۸۷) اینترنت به عنوان یکی از شاخص‌های جهان مدرن توانسته است در تغییرات هویتی تعیین کننده باشد و در کنار آن پژوهش توسلی و قلی‌پور (۱۳۸۶) نشان داده است که لک‌ها با وقوع جهانی شدن توانسته‌اند در کنار تغییرات در منابع هویتی پیشین، بر حفظ هویت محلی و ایجاد ترکیبی از منابع هویت پیشین و نوین دست یابند. دو پژوهش گل‌محمدی (۱۳۸۶) و معینی علمداری (۱۳۸۴) هویت‌های چندگانه، سیال و مختلط را حاصل زندگی در جهان مدرن و استفاده از ابزارهای نوین این جهان دانسته‌اند و با شکل‌گیری هویت‌های چندگانه و متکثر، کنشگران با تغییرات هستی‌شناختی مداوم روبرو خواهند بود و شکل‌گیری هویت مدرن بیش از پیش قوت می‌یابد. این مسئله در پژوهش ذکایی و خطیبی (۱۳۸۴) با تأکید بر فضای مجازی بررسی شده است. عوامل مذکور در منطقه اورامان روز به روز گستردگی بیشتری

می‌یابند و روند شکل‌گیری هویت مدرن و به تبع آن تأثیرات متقابل بر دیگر منابع هویتی فرصت‌ها و چالش‌هایی تازه‌ای ایجاد کرده است.

در بخش دیگر به پیشینه چگونگی ارتباط منابع هویتی مورد بررسی قرار گرفت این بخش به نظر می‌رسد چالشی‌ترین بخش چه در بخش تجربی و چه در بخش نظری بوده است. دو پژوهش گولوبین (۲۰۱۸) و زمیلاس و همکاران (۲۰۱۸) از آن حیث مهم می‌باشند که منطقه اورامان نیز به عنوان اقلیت دینی، با پیشینه حضور مکتب قرآن و در ادامه جریان‌های سلفی اخیر، به ویژه در شرایط پر آشوب خاورمیانه می‌تواند بستر چالش‌های فراوانی در حوزه دین باشد و در پژوهش کنونی سعی می‌شود به تفصیل در مصاحبه‌ها این بخش از منابع هویتی واکاوی شود. پژوهش بیلالی و همکاران (۲۰۱۸) به ارتباط دو منبع هویت ملی و دینی پرداخته است و فاصله اجتماعی دوگانه‌ای که بین گروه‌های دینی و ملی بود مشخص شد این فاصله گذاری در کردستان همواره مورد پرسش بوده است و مردمان اورامان نیز همواره در این جریان حضور داشته‌اند.

آن چه گفته شد نشان می‌دهد ذکر پژوهش‌های داخلی در مورد هویت از چند جهت سودمند است. ۱- جامعه آماری مورد بررسی در پژوهش‌های انجام شده به لحاظ فرهنگی و اجتماعی با منطقه اورامان قرابت بیشتری دارد و نتایج این پژوهش‌ها بیشتر قابل استفاده می‌باشند ۲- پژوهش‌ها عموماً از مناطق مختلف قومی ایران بودند و از این نظر نیز مردمان اورامی شرایط مشابهی را در پیش دارند. ۳- چگونگی ارتباط منابع هویتی به صورت‌های مختلف حائز اهمیت است و ترکیبی و سازگار بودن این منابع یا در مقابل و در ستیز بودن این منابع با یکدیگر بخش دیگری از پرسش‌های پژوهش کنونی است و بر آنیم تا با استفاده از تلاش‌های پژوهشگران پیشین، مسئله پیش‌رو را در بین مردمان اورامان بررسی نماییم.

در مجموع بررسی پیشینه تجربی نشان می‌دهد که با وجود تلاش‌های پژوهشی ارزشمندی که در حوزه هویت و منابع آن در منابع داخلی و ایرانی صورت گرفته است دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول این است که بیشتر پژوهش‌ها کمی بوده‌اند و خلاء پژوهش‌های کیفی در حوزه هویت کاملاً محسوس است و نکته دوم این است که با توجه به جستجوهای به عمل آمده، هیچ پژوهش منتشر شده‌ای تاکنون در زمینه پایداری و دگرگونی منابع هویت اورامی‌ها صورت نگرفته است.

مروری بر ادبیات نظری

در این بخش تلاش خواهد شد تا شناخت بهتری از مفهوم هویت حاصل شود و بر مبنای رویکرد تفسیری، بتوان چارچوب مفهومی متناسب با پژوهش حاضر به کار گرفته شود. از آن جایی که تفاوت‌های اساسی رویکرد تفسیری و رویکرد اثبات‌گرایی در مباحث هست‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مطرح شده است؛ معمولاً روش‌شناسی منطبق بر رویکرد تفسیری، کیفی است. از منظر فلسفی و پارادایمی، با توجه به اینکه روش‌شناسی کیفی بر پارادایم‌های غیر اثباتی و تفسیری-برساختی استوار است، لذا استدلال‌های مفهومی و استقرایی بنیان کار کیفی بوده و از استدلال قیاسی-فرضیه‌ای به شدت اجتناب می‌شود. از این نظر هدف تحقیق کیفی نظریه‌آزمایی نیست، بلکه نظریه‌سازی است. (محمد پور، ۱۳۹۰: ۲۳۳). با توجه به این که در پژوهش حاضر از رویکرد پارادایمی تفسیری و روش‌شناسی کیفی بهره خواهیم برد دیدگاه‌ها و سیر مفهومی نظریات هویت به منظور نظریه‌آزمایی مطرح نمی‌شوند بلکه به منظور ایجاد حساسیت نظری در ذهن محقق مطرح می‌شوند. لذا بر پایه‌ی تقسیم‌بندی تاجیک (۱۳۷۹) که نظریات حوزه هویت را به تفکیک نظریه‌پردازان مدرن و نظریه‌پردازان پست مدرن عنوان می‌کند تلاش شده است تا در بین متفکران مدرن، به اندیشه‌هایمید، تاجفل، گیدنز و جنکینز پرداخته شود که در این بخش مجال مطرح کردن آن نیست اما باید عنوان کنیم که ریشه اندیشه‌هایمید بر این است که خود، حاصل تعامل اجتماعی می‌باشد این تعاملات اجتماعی نیازمند ظرفیت‌های نمادین و زبانی می‌باشد که حاصل آن مفهوم دوگانه خود و دیگری خواهد بود خود در این فرآیند، در حال شکل‌گیری است و هم جنبه فردی دارد و هم جنبه اجتماعی؛ بر این مبنا بخش فردی آن در برگیرنده ذهنیت و بعد اجتماعی آن عینیت را در بر می‌گیرد. تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر ارزشی (فرض‌هایی در مورد پیامدهای ارزشی مثبت و منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). بر این اساس هویت اجتماعی از نظر تاجفل عبارتست از آن بخش از برداشت‌های یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی، همراه با اهمیت ارزشی آن عضویت

سرچشمه می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۳). آنچه که نظریه‌گیدنز را در حوزه فرهنگ اهمیت می‌دهد، مسئله بازسازی فرهنگ سنتی است. از این حیث نظریه‌گیدنز قابل مقایسه است با نظریه بازسازی‌گرایی^۱ که معتقد است روند موجود به سمت جهانی شدن، از یک سو موجب در آمیختن هویت‌ها و فرهنگ‌های قدیم و جدید شده و از سوی دیگر فرهنگ‌های جدا افتاده قدیم را در ارتباط نزدیک و رو در روی یکدیگر قرار داده است (عاملی، ۱۳۸۳: ۴۲). هویت در نظر جنکینز، امری اجتماعی می‌باشد و مبتنی بر دیالکتیک درونی-برونی شناسایی است که توسط این فرایند هویت فردی و هویت جمعی ترکیب می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۵) و بر این اساس، جنکینز هویت اجتماعی را «ترکیب یافتن مضمون‌های در هم آمیخته و جدایی ناپذیر شباهت و تفاوت انسانی در خلال عمل اجتماعی» تعریف می‌کند.

هویت در اندیشه‌های پست مدرن با تحولات گسترده‌ای روبرو است و از یکپارچگی و یگانگی امر ثابت به سمت چندپارچگی، تفاوت و سیالیت در جریان است. مهم‌ترین نظریه پردازان این حوزه؛ مانوئل کاستلز، استوارت هال، پیتز برگر هستند که به اختصار به نکات کلیدی در بین اندیشمندان مذکور می‌پردازیم. کاستلز (کاستلز ۱۳۸۵: ۳-۲۲) معتقد است هویت برساخته می‌شود اما پرسش پیش‌رو این خواهد بود که چگونه و توسط چه کسی برساخته می‌شوند و چه هدفی را پیش می‌برند؟ کاستلز سه گونه از برساختگی هویت را از یکدیگر تفکیک می‌نماید: هویت مشروعیت بخش که توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود؛ هویت مقاومت که شکل‌هایی از مقاومت جمعی را در برابر نهادهای غالب جامعه صورت می‌دهد و منجر به ایجاد جماعتها^۲، اجتماعات^۳ می‌شود؛ هویت برنامه‌دار نیز هویت جدیدی است با تغییر در ساخت اجتماعی محقق می‌شود و کنشگران موقعیت نوینی در جامعه پیدا می‌کنند. استوارت هال سه مرحله تاریخی متفاوت برای سوژه (هویت) ارائه می‌کند: سوژه روشنگری؛ سوژه جامعه‌شناختی و سوژه پست مدرن (هال و دیگران، ۱۹۹۶). در حالی که سوژه مدرن بر یکپارچگی هویت و سوژه جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری هویت توسط تعامل با دیگری تأکید می‌ورزد؛ سوژه پست مدرن سعی در مرکززدایی از سوژه مدرن و سوژه جامعه‌شناختی دارد و به بیان شانتال موفه، حرکتی دوگانه وجود دارد که از یک طرف سیلان و مرکزیت‌زدایی در کار

1 Reproductionalism

2 communes

3 communities

بوده و ثبات‌ها و نقاط‌اتکا را از بین می‌برد و نوعی بی‌ثباتی ذات را ایجاد و تقویت می‌کند و از سوی دیگر حرکتی که مایل به ایجاد نقاط گره‌گون و تثبیت موقت تلاطم بی‌پایان رابطه دال‌ها و مدلول‌ها است. لیکن این دیالکتیک ثبات/بی‌ثباتی به این دلیل امکان می‌پذیرد که ثبات از پیش داده شده‌ای وجود ندارد. بلکه همانگونه که دال‌ها، همواره مدلول‌های جدیدی می‌یابد؛ هویت‌یابی انسان‌ها نیز متلاطم است (قاسمی، ۱۳۸۳). برگر (۱۳۸۱: ۷۳) نیز معتقد است تا قبل از جریانات مدرن کنونی، عموماً انسان‌ها زیست‌جهان‌های نسبتاً یکپارچه را تجربه کرده‌اند در واقع با وجود تمایزات بسیاری که در اجتماعات پیشین وجود داشته است نوعی نظام معنایی که اقشار مختلف جامعه را در بر می‌گرفته است و «یکپارچگی» زیست‌جهان‌ها را در بر می‌گرفت. این بدان معنا بوده است که زیست‌جهانی مشترک تمام کنشگران را به طور نسبی در بر گرفته است. و افراد پیوسته در «همان جهان» می‌ماندند. و به ندرت از این زیست‌جهان خارج می‌شدند. اما در جامعه مدرن کنونی، همه چیز تقسیم‌بندی شده است و هر انسانی در زندگی خود زیست‌جهان‌های متفاوت و گاهی متناقضی را در طول زندگی روزمره خود تجربه می‌کنند. این چندگانگی و تکثر زیست‌جهانی، نه فقط در رفتارهای اجتماعی عینی، بلکه در سطوح آگاهی و ذهنی پدیدار شده است. در نتیجه، چندگانه شدن^۱ منجر به بروز دوگانگی^۲ در حوزه عمومی و خصوصی خواهد شد.

مباحث مطروحه در اندیشه‌های متفکران مدرن و پست‌مدرن حوزه هویت نشان می‌دهد که با وجود تمایزگذاری مابین سطوح هویت فردی و اجتماعی جهت امکان تحلیل دقیق‌تر؛ با این وصف هویت فردی به واسطه‌ی دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد و هم‌چنان که در نظریاتمید در باب نحوه شکل‌گیری «خود» در زمینه اجتماعی و نیز در اندیشه‌های جنکینز مطرح شد هویت اساساً اجتماعی است و در این پژوهش نیز در پی بررسی منابع هویت جمعی خواهیم بود. اندیشه‌های مطرح شده مبتنی بر رویکرد برساختی بود که نشان دهنده دیالکتیک بین دو سطح خرد و کلان می‌باشد و سطوح تحلیل نیز بر مبنای ساختار-عامل در اندیشه‌های مذکور مطرح شد. آن‌چه در بین تمامی اندیشمندان مطرح شده مشترک است این است که هویت امری است اجتماعی و متغیر. و هم‌چنان که مطرح شد جنکینز در تلاش است تا پلی

1 Pluralization

2 dichotomy

میان سوژه مدرن و پست مدرن ایجاد نماید و برای تحقق این امر، بر آن است که هویت نه امری ثابت و تمام شده و دارای انسجام است و نه امری سیال و چندپاره؛ لذا اکثر مردم از امنیت وجودی برخوردارند و خویشی نسبتاً یکپارچه را تجربه می‌نمایند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا با توجه به سیر تاریخی مفهوم هویت و چارچوب مفهومی مطرح شده و نیز با توجه به ماهیت موضوع و پرسش‌های پیش‌رو؛ پایداری و دگرگونی منابع هویت مردمان اورامی با رویکردی تفسیری بازشناسی شود.

روش‌شناسی تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش نظریه زمینه‌ای^۱ استفاده شده است نظریه زمینه‌ای توسط آنسلم اشتراوس و بارنی گلیزر با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری-برساختی، شکل گرفته است. تفاوت رویکرد گلیزر و اشتراوس در باورها و رویکرد به تحلیل داده‌هاست. در این پژوهش رویکرد اشتراوس و کوربین به عنوان راهنمای اصلی انتخاب شده است و مراحل انجام آن به این صورت بوده است که قبل از هر چیز، سؤالات تحقیق به صورت دقیق مشخص شده‌اند چرا که پژوهشگر نیازمند مراجعه مداوم به سؤالات می‌باشد سپس برای دنبال نمودن پاسخ این سؤالات، اقدام به گردآوری داده‌ها با مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته از کنشگران اورامی نموده‌ایم. فرآیند تحلیل و تفسیر نیز بر مبنای رویکرد نظام مند اشتراوس و کوربین (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸) در سه مرحله است؛ کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳، کدگذاری انتخابی^۴ انجام گرفته است. ابزار تجزیه و تحلیل نیز نرم‌افزار اطلس‌تی^۵ نسخه ۲۰۱۸ بوده است. نمونه‌گیری با روش «حداکثر تنوع»^۶ انجام شده است و مجموع افراد مشارکت‌کننده ۵۸ نفر بودند که مشخصات دموگرافیک آنان در پیوست پژوهش ذکر شده است.

پس از انجام هر مصاحبه، داده‌های گردآوری شده بررسی می‌شد و با توجه به بررسی‌های به عمل آمده مصاحبه بعدی به عمل می‌آمد. این فرآیند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. هم‌چنین تلاش شده است حساسیت نظری با اجرای روش‌های ارتقای حساسیت نظری در تمام روند تحقیق به عنوان یک اصل کلی رعایت شود و ارتقای آن همواره مد نظر بوده است.

1. Grounded Theory
2. Open coding
3. Axial coding
4. Selective coding
5. ATLAS.ti 8.2
6. Maximum variation

روایی و اعتباریابی این پژوهش نیز با روش ارزیابی لینکولن و گوبا^۱ (۱۹۹۴) بر پایه چهار معیار اعتباربخشی و اعتبار^۲ (باورپذیری)، انتقال‌پذیری^۳، اعتمادبخشی^۴، تأییدپذیری^۵ صورت گرفت. جهت اعتباربخشی پژوهشگر با مشارکت طولانی و مشاهده مستمر و مصاحبه‌هایی با تعامل و ارتباط مؤثر سعی در باورپذیری نموده است. برای بحث انتقال‌پذیری، پژوهشگر تلاش نموده است تا با ارائه توصیف فربه از منابع هویتی اوامی‌ها، به ارزیابی و قابلیت کاربرد در سایر زمینه‌ها کمک نماید. با تکرار دقیق گام به گام و بازبینی صاحب‌نظران قابلیت اعتمادبخشی افزایش داده شد و برای تأییدپذیری نیز از نظرات اساتید دانشگاه که در حوزه هویت مطالعه و پژوهش داشته‌اند بهره گرفته شد.

میدان تحقیق

اورامان^۶ منطقه‌ای کوهستانی در غرب ایران و شرق عراق است. بیشترین جمعیت مردمان اورامی در ایران می‌باشد که در دو استان کردستان و کرمانشاه سکونت دارند. در اغلب مقالات پژوهشی که در این محدوده صورت گرفته است تعیین محدوده اورامانات براساس جغرافیای سیاسی صورت گرفته است و به اشتراکات قومی- فرهنگی ساکنین این محدوده توجه چندانی نشده است با توجه به مطالعات میدانی و تجربه زیسته محقق در منطقه اورامان، تلاش شده است تا تقسیم‌بندی بر مبنای زبان اورامی و لهجه‌های مناطق مختلف باشد. لذا منطقه اورامان به سه قسمت تخت، زاوه‌رو و لهون؛ تقسیم‌بندی شد و به عنوان محدوده منطقه قومی- فرهنگی اورامان مورد بررسی قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه

در این مطالعه با طی مراحل کدگذاری و تحلیل داده‌های گردآوری شده در خصوص دگرگونی و پایداری منابع هویت در بین مردمان اورامان، مفهوم «گسستگی در امکان ترکیب منابع هویت»

1 Guba & Lincoln

2 Credibility

3 Transferability

4 Dependability

5 Confirmability

۶ - تلفظ صحیح این واژه، «ه‌ورامان» می‌باشد اما با توجه به این که در زبان فارسی تلفظ آن دشوار می‌نماید از واژه مصطلح اورامان در این مقاله استفاده نمودیم.

به عنوان مفهوم اصلی شناسایی شده و سایر مفاهیم و مقولات در ارتباط با آن، شناسایی و طبقه‌بندی گردید. در ادامه، مفاهیم و مقولات شناسایی شده ذیل شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردی و پیامدی در جدول شماره ۱ و ۲ ارائه شده است و در ادامه جهت رعایت اختصار، مفاهیم و مقولات در جدول شماره ارائه شده‌اند و توضیحات مختصری بدون ذکر نقل قول ارائه شده است^۱.

پیش‌برنده‌ها

در این بخش مفاهیمی که استخراج شد تحت مقوله پیش‌برنده‌ها نام‌گذاری شدند و منظور از آن عوامل موثری هستند که باعث ایجاد و تقویت منابع هویتی می‌شوند این عوامل ذیل شرایط علی قرار گرفتند و با توجه به این که بخشی از موضوع پژوهش مربوط به پایداری و دگرگونی منابع هویت می‌باشد به این خاطر پیش‌برنده‌ها در دو بخش پایداری و بخش دگرگونی به صورت مجزا بررسی شده‌اند. پیش‌برنده‌های پایداری به معنای عوامل ایجاد و تقویت پایداری و مقاومت در منابع هویتی توسط مردمان اورامی می‌باشند و پیش‌برنده‌های دگرگونی به عواملی گفته می‌شوند که سبب دگرگونی در منابع هویت مردمان اورامان شده‌اند.

جدول شماره ۱ - شرایط علی و مقولات و مفاهیم مستخرج

مفاهیم	مقولات به تفکیک منابع هویت	
استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای خارج از ایران - امکان همگرایی قومی به واسطه شبکه‌های اجتماعی مجازی - نگرش حفظ منبع هویت اورامی - مقابله ذهنی و عینی با حذف و هضم زبان اورامی - لزوم مقابله با سیاست‌های مدیریتی کلان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - برگزاری مداوم مراسم و جشن‌های قومی - رونق توریسم و کسب درآمدهای مطلوب - در اقلیت ماندن به واسطه زبان - امکان هویت بخشی از طریق موسیقی و آواز متمایز - احساس نیاز به حفظ یکپارچگی کردها - سطح پایین تعامل	هویت اورامی-کردی	هویت اورامی-کردی

۱ - برای مشاهده توضیحات مبسوط و نقل قول‌ها به رساله پایداری و دگرگونی منابع هویت اورامان در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مراجعه نمایید.

مفاهیم	مقولات به تفکیک منابع هویت	
قومی و امکان تفاهم - همسان سازی اقوام در سطح ملی		
فرصت‌های آموزشی فراگیر - مبارزه با محدودیت‌های جنسیتی - افزایش تحصیلات - بهبود در سبک زندگی - امکان مقاومت در برابر دیگر منابع هویتی - احساس خرسندی از مدرن بودن	هویت مدرن	
احساس نیاز به زبان و ادبیات فارسی - نگرش لزوم وجود سرزمینی امن و یکپارچه - تأکید بر مشارکت سیاسی	هویت ملی ایرانی	
نگرش حفظ هویت دینی - مباره با پیش‌روی عناصر جهان مدرن - امکان تمسک به منابع و مراجع دینی برای توجیه اعمال جهادی - احیای مداوم باورهای دینی - تأکید بر جهاد به عنوان واجب فراموش شده - نگرش نیاز بازگشت به صدر اسلام - نگرش تعارض متصوفه با شریعت - مبارزه با دینداری سنتی قائل به مدارا	هویت دینی	
تقابل منابع هویت با یکدیگر - نگرش لزوم عبور از مرزهای هویت کنونی - حضور تفکرات فراقومی (جهان وطنی)	هویت اورامی-کردی	پیش‌بینی‌های دیگرگرنی
بی‌ثباتی در منابع هویتی - به حاشیه راندن در فضاهای دینی و سنتی	هویت مدرن	
نارضایتی از سیاست‌های قومی دولت - احساس تبعیض و توزیع نابرابر بین استانی - نبود امکان مشارکت نخبگان بومی	هویت ملی ایرانی	
نگرش تعارض دین و عقل - نگرش سکولار از دین - نگرش پلورالیسم دینی - اولویت‌بخشی به دیگر منابع هویتی - تساوی طلبی زنان - انگیزه زنان برای حضور و مبارزه با شرایط موجود	هویت دینی	

جدول شماره ۲ - شرایط مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردی، پیامدی و مقولات و مفاهیم مستخرج

مقولات	مفاهیم	
شرایط مداخله‌گر	مؤلفه‌های ساختاری	چالش ساختاری بین منابع هویتی - وجود ساختار ناقص و ناتمام مؤلفه های مدرن - کمبود زیرساخت مطلوب فرهنگی و اجتماعی - بسترهای ضعیف اقتصادی - پیشینه تاریخی بنیادگرایی دینی در کردستان با ظهور مکتب قرآن - پیشینه تاریخی جریانات قومی در کردستان - تحولات اخیر خاورمیانه و ایجاد فرصت برای هر کدام از گفتمان‌های دینی پلورال، سکولار، سنتی و بنیادگرا
	مؤلفه‌های نگرشی	رویکرد دوگانه و مبهم به مؤلفه‌های هویت مدرن - مقاومت در برابر همگرایی منابع هویتی - نیاز به حذف و تعدیل منابع هویت در صورت واگرا بودن منابع
شرایط زمینه	ویژگی‌های اکولوژیک منطقه	وضعیت معیشتی نامطلوب - کمبود امکانات رفاهی - درآمد سالانه مختص و محدود به چند ماه در سال - جاده‌های کوهستانی صعب‌العبور
	ویژگی‌های کنشگران	در اقلیت بودگی - تلاشگری مفرط در حوزه‌های مختلف
استراتژی	دوری‌گزینی از منابع هویتی چالش‌زا	مهاجرت به شهرهای کلان در صورت نیاز به دگرگونی در منابع - هجرت برای تحقق پایداری و حفظ منبع هویت دینی بنیادگرا
	کنش دوگانه تعدیل یا تقویت	اقدام به تعدیل و در صورت نیاز حذف منابع هویتی چالش‌زا - اقدام به تقویت منبع هویتی خاص
	مصلحت‌اندیشی در ابراز منبع هویتی	تلاش برای مخفی نگه داشتن بخشی از منابع هویتی در زمان و مکان‌های خاص
	اغواگری در مواجهه با دیگر منابع هویتی	ایجاد فضایی برای جلب کنشگران در راستای نگهداشت یک منبع خاص و حذف دیگر منابع
پیامد	پیامدهای مطلوب	ایجاد فرصت‌های بیشتر برای زنان - پذیرش تفاوت (به صورت محدود) - ترکیب منابع و غنای فرهنگی - حفظ و تقویت منابع هویتی
	پیامدهای نامطلوب	عدم پذیرش دیگرانی با منابع هویتی متفاوت (حتی اعضای خانواده) - انزواگزینی و طرد مضاعف - نارضایتی در حوزه عمومی - افزایش آسیب های اجتماعی - مواجهه زنان با چالش‌هایی بیشتر در چینش منابع هویتی - انتخاب یک منبع هویتی و حذف و طرد دیگر منابع

شرایط مداخله‌گر

بخشی از مفاهیم استخراج شده که بر راهبردها و کنش و تعاملات کنشگران پژوهش تأثیرگذار بوده‌اند ذیل شرایط مداخله‌گر قرار گرفته‌اند و با توجه به این که مربوط به وضعیت ساختاری کنشگران اورامی می‌باشند تحت نام مؤلفه‌های ساختاری نام گرفته‌اند. این مفاهیم به شرح ذیل می‌باشند: چالش ساختاری بین منابع هویتی - وجود ساختار ناقص و ناتمام مؤلفه‌های مدرن - کمبود زیرساخت مطلوب فرهنگی و اجتماعی - بسترهای ضعیف اقتصادی - پیشینه تاریخی بنیادگرایی دینی در کردستان با ظهور مکتب قرآن - پیشینه تاریخی جریان‌ات قومی در کردستان - تحولات اخیر خاورمیانه و ایجاد فرصت برای هر کدام از گفتمان‌های دینی پلورال، سکولار، سنتی و بنیادگرا.

شرایط زمینه

شرایط زمینه در این پژوهش ذیل دو مقوله ویژگی‌های اکولوژیک منطقه و ویژگی‌های کنشگران مطرح شده‌اند این دو مقوله بر کنش و تعاملات کنشگران مؤثر می‌باشند و تحت راهبردها مطرح می‌شوند. مفاهیم مستخرج در حوزه ویژگی‌های اکولوژیک منطقه شامل: وضعیت معیشتی نامطلوب؛ کمبود امکانات رفاهی؛ درآمد سالانه مختص و محدود به چند ماه در سال؛ جاده‌های کوهستانی صعب‌العبور می‌باشند مفاهیم مستخرج در حوزه ویژگی‌های کنشگران نیز شامل در اقلیت بودگی و تلاشگری مفرط در حوزه‌های مختلف می‌باشد.

راهبردها

راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و تعاملات هستند که توسط کنشگران اورامی برای کنترل، اداره و برخورد با گسستگی در امکان ترکیب منابع هویتی صورت می‌گیرند. راهبردها هم چون دیگر کنش‌ها به دلایلی صورت می‌گیرند و هدفمند هستند و پیوسته شرایط مداخله‌گری بر این کنش‌ها و تعاملات تأثیرگذار هستند و گاهی عامل تسهیل‌گر و گاهی عامل محدودکننده هستند.

پیامدها

پیامدها همان کنش و تعاملاتی هستند که در اثر راهبردها شکل می‌گیرند و لزوماً قابل پیش‌بینی نیستند و حتی ممکن است همان‌هایی نباشند که کنشگران مد نظر دارند. از طرف دیگر ممکن

است آن چه امروز به عنوان پیامد پدیدار می‌شود در زمان و مکان دیگر از عوامل علی، زمینه یا مداخله‌گر باشد. مفاهیم مطرح شده در بخش پیامدها ممکن است واقعی یا ضمنی باشند و زمان وقوع آنها نیز با توجه مسئله پیش روی این پژوهش ممکن است اخیراً، در زمان حال و یا آینده اتفاق افتد. پیامدهای کنش و تعاملات صورت گرفته به دو مقوله پیامد مطلوب و پیامد نامطلوب تقسیم شده‌اند.

پیامدهای مطلوب شامل مفاهیم ذیل می‌باشد: ایجاد فرصت‌های بیشتر برای زنان؛ پذیرش تفاوت (به صورت محدود)؛ ترکیب منابع و غنای فرهنگی؛ حفظ و تقویت منابع هویتی.

پیامدهای نامطلوب نیز شامل این مفاهیم می‌باشند: عدم پذیرش دیگرانی با منابع هویتی متفاوت (حتی اعضای خانواده)؛ انزواگزینی و طرد مضاعف؛ نارضایتی در حوزه عمومی؛ افزایش آسیب‌های اجتماعی؛ انتخاب یک منبع هویتی و حذف و طرد دیگر منابع؛ مواجهه زنان با چالش‌هایی بیشتر در چینش منابع هویتی.

آن چه از یافته‌ها مطرح شد حاصل خروجی نرم‌افزار اطلس‌تی می‌باشد که در ادامه به صورت مدل کلی ارائه می‌شود و این مدل چگونگی روابط مابین مقولات و مفاهیم استخراج شده را نشان می‌دهد در این مدل بر خلاف نرم‌افزار مکس کیودی‌ای و انویو که امکان تعریف چگونگی روابط در اشکال مختلف ممکن نیست در این مدل روابط به چند شکل قابل طرح می‌باشند و امکان انتقال معنی مورد نظر محقق امکان‌پذیرتر می‌باشد. حالت اول نشان دهنده این می‌باشد که مفاهیم یا مقولات با هم «در ارتباط»^۱ هستند. حالت دوم نشان می‌دهد مقوله یا مفهوم «بخشی از»^۲ مقوله یا مفهوم دیگر می‌باشد. حالت سوم نشان می‌دهد که مقوله یا مفهوم «علتی است برای»^۳ مقوله یا مفهوم دیگر. حالت چهارم نشان می‌دهد که مقولات یا مفاهیم «در تضاد»^۴ هستند. حالت پنجم نشان از «معادل بودن»^۵ مفاهیم یا مقولات دارد. و حالت ششم نشان از آن دارد که یک مفهوم «یک ویژگی از»^۶ مقوله یا مفهوم دیگر است. بر این مبنا در شکل شماره ۱؛ مدل مورد نظر از داده‌ها استخراج و ارائه شده است.

1 is associated with

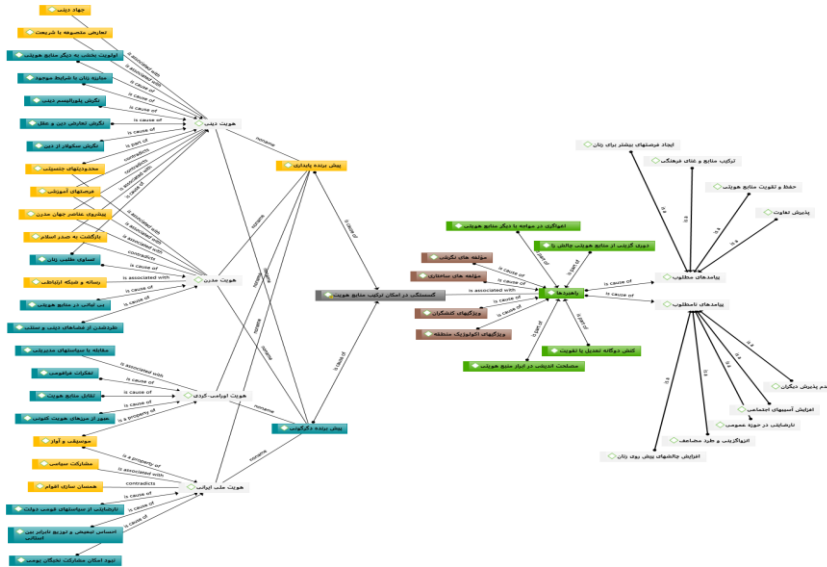
2 is part of

3 is cause of

4 contradicts

5 is-a

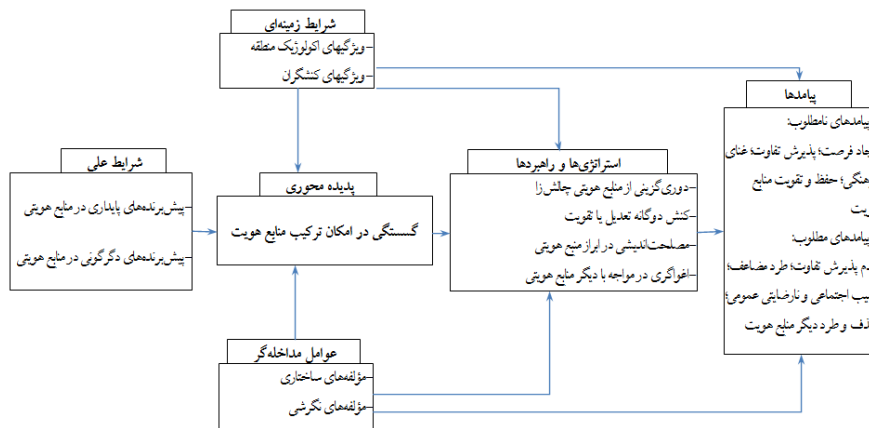
6 is- property of



شکل شماره ۱ - مدل مستخرج از داده‌ها بر مبنای چگونگی روابط مابین مقولات و مفاهیم

ارائه تئوری در قالب مدل پارادایمی

در نهایت پس از مراحل رفت و برگشتی کدگذاری، مدل نظری گسستگی در امکان ترکیب منابع هویت به‌عنوان خروجی پژوهش ارائه گردید. شکل ۲ مدل پارادایمی این مطالعه را به‌عنوان چارچوب نظری دگرگونی و پایداری در منابع هویت مردمان را نشان می‌دهد.



شکل ۲. مدل پارادایمی گسستگی در امکان ترکیب منابع هویت

بحث و نتیجه گیری

هم چنان که در یافته‌ها مطرح شد مفاهیم و مقولات استخراج شده در این پژوهش حول چهار منبع هویت قومی اورامی-کردی، ملی ایرانی، مدرن و دینی قرار گرفته‌اند در این بخش نیز بحث و نتیجه‌گیری پژوهش بر مبنای این چهارگانه می‌باشد.

در بخش هویت قومی اورامی-کردی، نتایج پژوهش حاضر مؤید این بخش از پژوهش هاریس و فاینلدی (۲۰۱۲) می‌باشد که هویت قومی قوی، «مانند شمشیر دو لبه است» چرا که یافته‌ها نشان می‌دهد این بخش از منابع هویتی ظرفیت‌هایی را داراست که هم قابلیت تبدیل شدن به فرصت‌های کاربردی را دارد و هم قابلیت تبدیل شدن به چالش‌هایی که منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر را در بر دارد. در باب ناسیونالیسم قومی نیز داده‌های این پژوهش با پژوهش هادوی کاشانی و شفیع‌نی (۱۳۹۵) که از وجود ناسیونالیسم قومی در گونه‌های خودمختار و تجزیه‌طلب در مناطق کردنشین خبر می‌دهد تناسب دارد اما نکته حائز اهمیت این است که داده‌ها نشان داد که بخش عمده نگرش تجزیه‌طلبانه که ذیل گفتمان قومیت‌گرایی رادیکال قرار می‌گیرد حاصل تبعیض، محرومیت در ابعاد مختلف، تأکید بر افتراقات مذهبی، عدم پذیرش بنیادی تنوع قومی و زبانی در ایران، عدم استفاده از نخبگان بومی در مقایسه با دیگر نخبگان کشور، بی‌اعتمادی به کنشگران محلی و نبود امکان مشارکت سیاسی واقعی می‌باشد و این منحصر به اورامان یا فقط کردستان نیست بلکه نتایج پژوهش‌های اکوانی (۱۳۸۷)؛ حیدری و جعفرزاده‌پور (۱۳۹۳)؛ یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۳)؛ هادوی کاشانی و شفیع‌نی (۱۳۹۵) مؤید این ادعاست. هم چنین یافته‌ها نشان داد که کنشگران اورامی تمایز جدی مابین هویت ملی ایرانی و نوعی از هویت ملی که مد نظر حاکمیت است قائل هستند و این نتایج با یافته‌های فکوهی و آموسی (۱۳۸۶) و حاجیانی (۱۳۸۷) منطبق است.

تقابل منابع هویتی در سطح درونی بین منابع هویت قومی با هویت دینی مطرح است در پژوهش کچویان و خسروی (۱۳۹۱) در طول دهه ۵۰ و ۶۰ مشخصاً در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و سنج ملتهب‌ترین نقطه تلاقی این دو منبع هویتی بوده است. و از طرف دیگر تقابل هویت دینی با هویت مدرن مطرح می‌باشد که از نظر بسیاری از کنشگران دینی، چارچوب‌های شریعت دینی نباید با خود را ملزم به تطبیق با مؤلفه‌های مدرن بدانند.

در بخش دیگر، یافته‌های پژوهش نشان داد که در حوزه عمومی مرزهای پیشین هویتی کاملاً به چالش کشیده شده‌اند و با چندگانگی منابع هویتی مواجه هستیم و این یافته با بخش‌هایی از پژوهش ویجور و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد اما بخش محدود، ولی فعال و رادیکال کنشگران اورامی، این چندگانگی را برای خود، شکاف هویتی و چندپارگی معنی می‌کنند و تلاش می‌کنند تا از این وضعیت آشفته رهایی یابند و در نتیجه معمولاً به سمت بخش‌های رادیکال یکی از منابع هویتی گرایش خواهند داشت. و «هویت مقاومت» کاستلری مطرح شود و نشان می‌دهد که کنشگران چگونه اقدام به هویت‌سازی می‌کنند و این هویت‌سازی منجر به ایجاد جماعتها^۱ و اجتماعات^۲ می‌شود.

هم چنان که در بخش دیگری از چارچوب مفهومی مطرح شد: طبق نظر هال (۱۹۹۶) در حالی که سوژه مدرن بر یکپارچگی هویت و سوژه جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری هویت توسط تعامل با دیگری تأکید می‌ورزد؛ سوژه پست مدرن سعی در مرکززدایی از سوژه مدرن و سوژه جامعه‌شناختی دارد و از هویت‌های ثابت و استوار، مرکزیت‌زدایی می‌نماید و بر این مبنا هویت به یک «جشن موج»^۳ و متلاطم تبدیل می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین عموم کنشگران منطقه اورامان - اگر چه در بعضی موارد بسیار محدود است - این جشن موج از ترکیب منابع هویت که با وجود متلاطم بودن، کنشگران تلاش می‌کنند نوعی از ثبات را برای امنیت وجودی خود حفظ نمایند را مشاهده نمود. اما نکته مهم این است که بخشی از کنشگران نمی‌توانند این بی‌ثباتی را بپذیرند. «نپذیرفتن» ممکن است به دو دلیل صورت بگیرد: اول: کنشگران با چندگانگی منابع هویت مواجه شده‌اند و چنین سیالیت و نسبی شدن منابع هویتی که به عقیده برگر (۱۳۸۱: ۷۳) منجر «تکثر زیست‌جهانی و چندگانه شدن»^۴ و بروز دوگانگی^۵ و در نتیجه عدم امکان دست‌یابی به یکپارچگی هویتی را نمی‌توانند برتابند. و دوم: امکان ترکیب این منابع چندگانه را ناممکن می‌یابند چرا که به عقیده آنها، مؤلفه‌های ساختاری این منابع با یکدیگر قابل ترکیب نیستند و گاهی حتی متناقض و در پی حذف دیگری هستند این بخش از نتایج لزوماً انطباقی با پژوهش ابوالحسنی (۱۳۸۹) و توسلی و قلی‌پور (۱۳۸۶) ندارد.

1 communes
2 communities
3 moveable feast
4 Pluralization
5 dichotomy

نتیجه‌گیری یافته‌ها در مورد امکان ترکیب و همزیستی منابع هویت در بین مردمان اورامی به شرح زیر می‌باشد:

۱- بخشی از چالش‌های امکان ترکیب منابع هویت، به امکان ترکیب دو منبع هویت ملی و هویت قومی برمی‌گردد. اگر چه در مباحث نظری اتفاق نظر وجود ندارد اما اگر حتی قائل به این بخش از تئوری هال باشیم که: هویت‌های ملی رو به ضعف و زوال نهاده‌اند و هویت‌های جدید چندگانه (ترکیبی و پیوندی) جایگزین آن‌ها شده‌اند. (هال، ۱۹۹۶). با این وصف به لحاظ نظری مانعی برای امکان جمع‌بندی و ترکیب دو منبع هویت ملی و قومی وجود ندارد و به عقیده نگارنده، چنان چه ناهمسویی در منابع هویت ملی و هویت قومی وجود دارد متأثر از سیاست گذاری نامطلوب، تبعیض آشکار و پنهان؛ و شرایط نامناسب تفاهمی بین کنشگران هویت ملی و هویت قومی می‌باشد. بر این مبنا هویت ملی و هویت قومی قابلیت ترکیب، سازگاری و همزیستی مطلوب به شکلی که منجر به تقویت یکدیگر شوند را دارا هستند.

۲- هویت ملی و هویت دینی نیز در سطح ملی لزوماً تداخل‌تئوریک با هم نداشته‌اند و با وجود قوت هر کدام از این ابعاد در نزد کنشگران حوزه مربوطه، گذار تاریخی این دو بعد نشان از امکان ترکیبی بودن این دو منبع هویتی می‌دهد.

۳- به نظر می‌رسد بیشترین چالش‌ها در دو منبع هویت دینی و هویت مدرن به چشم می‌خورد. اگر چه صاحب‌نظرانی چون کچویان (۱۳۸۷) اساساً بحث ترکیب منابع هویتی را نه راه حل بلکه «همان صورت مسئله هویتی ایران» با «تناقضات بسیار» می‌دانند اما این چالش در بین مردمان اورامان نیز مشهود است نتایج نشان می‌دهد که به لحاظ نظری باید بین رویکرد روحانیون سنتی و پیروان جریان روشنفکری دینی اورامان تمایز قائل شد. به صورت کلی نمی‌توان در مورد عموم روحانیون منطقه اورامان نظر داد اما با توجه به این که درون گفتمان خاص خود کنشگری می‌نمایند و تفاوت کنش‌ها بیشتر به اختلافات در حوزه بینادگرایی و عرفان مربوط می‌شود این است که تجارب زیسته نگارنده و مراودات با روحانیون مختلف منطقه، می‌تواند قدری به شناخت بیشتر یاری نماید. به نظر می‌رسد روحانیون مخالفت چندانی با مدرنیزاسیون ندارند یا اگر قبلاً با ابزارهایی چون دریافت کننده‌های کانال‌های ماهواره‌ای مخالفت می‌کردند امروزه چندان مخالفتی ندارند و اگر هم داشته باشند مشخصاً به کانال‌های خاصی متوجه خواهد بود نه به جریان نوسازی. اما به صورت جدی با مدرنیسم در تقابل هستند

و اگر جریان تجدد را به معنی مدرنیسم در نظر بگیریم، به هیچ وجه امکان همزیستی با آن را شدنی نمی‌دانند. از طرف دیگر مسئله اجتهاد در بین عموم اهل سنت مطرح است و به نظر می‌رسد در این زمینه تلاش می‌کنند در مقابل چالش‌ها و فرصت‌ها بر مبنای رأی‌های «سلف صالح» پیش بروند و به ندرت اقدام به اجتهاد می‌کنند. در نهایت روحانیون نسبت به جریان روشنفکری چندان خوشبین نیستند و آن را انحرافی می‌دانند. اما حتی آن دسته محدود از مردمان اورامان نیز که جریان روشنفکری دینی را دنبال می‌کنند؛ راه‌حلی که توسط روشنفکران دینی ایرانی چون سروش جهت محقق شدن امکان ترکیب یا امکان همزیستی مطلوب دو منبع هویت دینی و هویت متجدد ارائه می‌شود به دلایل دیگری - غیر از آن چه قبلاً از کچویان ذکر شد - در نزد آنان پذیرفته شده نیست. برای پیروان جریان روشنفکری دینی اورامان که عموماً باورهای دینی خود را مبتنی بر مذهب شافعی می‌دانند اولین مسئله این است که اندیشه‌های کسانی چون فضل‌الرحمان، نصر حامد ابوزید و محمد ارکون را معتبرتر می‌دانند چرا که در جامعه اهل سنت زیسته‌اند. اگر چه این بحث بیشتر از آن که تفاوت در مذهب باشد تفاوت در کلام فلسفی است چرا که مذاهب چهارگانه اهل سنت بر کلام اشعری استوار هستند و مباحث روشنفکری دینی مطرح شده؛ با کلام اشعری - حداقل از نگاه عموم روحانیوم اهل سنت - هم سو نیستند و گاهی به عنوان نومعتزله یا همسو با جریان معتزله قلمداد می‌شوند.

۴- هم چنان که گفته شد به لحاظ تنوریک مانع بنیادی برای امکان ترکیب هویت ملی و هویت دینی وجود ندارد و ترکیب هویت قومی و هویت دینی نیز در همین راستا می‌باشد اما هویت قومی و هویت دینی در بین مردمان اورامان شرایط متفاوتی دارد. کنشگران اورامی که به حوزه بنیادگرایی یا احیاگرایی تعلق ندارند دلیلی برای عدم امکان ترکیب این دو منبع نمی‌بینند اما جریان بنیادگرایی کنونی معتقد به امت اسلامی است. مکتب قرآن به عنوان جریان بومی بنیادگرا که اکنون می‌توان آن را احیاگرا نامید در گذار تاریخی خود با هویت قومی کردها به طور خاص در سنندج نشان داده است که در حوزه عملی امکان ترکیب هویت قومی با هویت دینی بنیادگرا تا کنون تحقق نیافته است البته امکان ترکیب هویت قومی و هویت دینی احیاگرایانه اگر چه سخت به نظر می‌رسد اما ناممکن نیست.

در مجموع نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کنشگران اورامی به دلایل مختلف در حوزه‌های گوناگون هویتی اقدام به دگرگونی و پایداری نموده‌اند میزان گستردگی این فرآیند در

این پژوهش پیمایش نشده است و طبیعتاً ادعایی برای تعمیم وجود ندارد اما با توجه به موارد ذکر شده‌ای که امکان ترکیب و همزیستی این منابع هویتی را دشوار نموده است به نظر می‌رسد شکاف و گسستگی منابع هویتی، کنشگران را ناگزیر خواهد ساخت تا برای زیست‌جهانی نسبتاً یکپارچه به راهبردهای ذکر شده متوسل شوند و این فرآیند بر عمق شکاف دگرگونی و پایداری در منابع هویتی مردمان اورامان و عدم پذیرش تفاوت «دیگری» خواهد افزود. هم‌چنین بر مبنای پیامدهای مستخرج شده از دگرگونی و پایداری در منابع هویتی، ذکر این نکته ضروری است که دوگانگی و عدم پذیرش تفاوت، چه در حوزه هویت دینی و چه در حوزه هویت ملی و قومی که با خودی و غیر خودی بودن همراه است خواه از جانب حاکمیت باشد و خواه از جانب کنشگران محلی، منجر به رشد روزافزون چالش‌های هویتی در ابعاد خرد و کلان خواهد شد و مانع جدی همبستگی در سطوح مختلف و بن‌بستی در مسیر توسعه پایدار خواهد بود.

منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۹). مؤلفه‌های سنجش تجربی هویت ملی، پژوهشنامه، شماره ۵۵.
- اکوانی سید حمدالله (۱۳۸۷). گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان، مطالعات ملی، شماره ۳۶.
- برگر، پیتر و همکاران (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، تهران، نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش پنجم.
- توسلی، غلامعباس؛ قلیپور، سیاوش (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، ش ۳، صص ۱۰۴-۸۱.
- جلابی پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). فراز و فرود جنبش کردی. (۱۳۵۵-۶۷)، تهران: لوح فکر.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یارمحمدی، نشر شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۹.
- حیدری، حسین و جعفرزاده‌پور فروزنده (۱۳۹۳). فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران، راهبرد اجتماعی فرهنگی سال سوم تابستان شماره ۱۱.

- ذکایی، محمدسعید و خطیبی، فاخره (۱۳۸۴). رابطه‌ی حضور در فضای مجازی و هویت مدرن: پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایران، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳۳.
- رفعت‌جاه، مریم و شکوری، علی (۱۳۸۷). اینترنت و هویت اجتماعی، نشریه‌ی جهانی رسانه، شماره ۵.
- عاملی، سیدرضا (۱۳۸۳). جهانی‌شدن، فصلنامه‌ی ارغنون، ۲۴.
- قادرزاده، امید؛ احمدپور، مریم (۱۳۸۹). تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان (تحلیلی درباره‌ی نتایج یک پیمایش در دانشگاه کردستان)، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۵.
- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۳). هویت در فضای پست مدرن؛ بررسی آرای چنتال موفی در باب هویت، مطالعات راهبردی، ش ۲۴.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۴). جهانی‌شدن و هویت قومی (مطالعه تجربی: قوم لک در ایران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کاستلز مانوئل (۱۳۸۵ ب). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت و هویت). ویراستار ارشد: علی پایا. تهران: طرح نو.
- کاستلز مانوئل (۱۳۸۵ ج). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (پایان هزاره). ویراستار ارشد: علی پایا. تهران: طرح نو.
- کچویان، حسین و خسروی، جمال (۱۳۹۱). اسلام‌گرایی در کردستان و چالش‌های ناسیونالیسم کردی و واگرایی؛ علل و زمینه‌ها (نمونه‌ی موردی: تطورات گفتمان مکتب قرآن)، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۳.
- کچوئیان، حسین و یگانه جوادی (۱۳۸۴). تطور نظریه‌های هویت در غرب، مجله‌ی علوم سیاسی مفید، س ۸، ش ۲۹، صص ۵۰-۶۰.
- کوربین، جولیت ام؛ انسلم آل استراوس (۲۰۰۸)، اصول تحقیق کیفی - شیوه‌ها و رویه‌ها گراند تئوری، ترجمه: ناهید دهقان نیری، علی فخر موحدی، مریم اسماعیلی، تابنده صادقی، و زهرا طیبی، ۱۳۹۱. تهران، اندیشه‌رفیع.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶). جهانی‌شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱، تهران: جامعه‌شناسان.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۴). هویت و مجاز: تأثیر هویتی اینترنت. فصلنامه‌ی مطالعات ملی، شماره‌ی ۴.

- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- میرزایی، حسین؛ شریعتی، سارا؛ باباصفیری، نافع (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی نوسازی و تکثرگرایی دینی در بین جوانان شهر و روستاهای سنندج، مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، دوره ۲۲، شماره ۱.
- هادوی کاشانی، اصغر؛ شفیع‌نیا، عباس (۱۳۹۵). زمینه‌ها و گونه‌های ناسیونالیسم قومی در ایران: مطالعه موردی مناطق کردنشین، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۷۴.
- هال، استوارت (۱۳۸۳). هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید، ترجمه شهریار وقفی‌پور، فصلنامه ارغنون، ش ۲۴.
- یزدخواستی، بهجت؛ مه‌ری، کریم و پناهی محمد حسین (۱۳۹۳). فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در خصوص نقش عوامل مؤثر بر بسیج همگرایانه اقوام، راهبرد، شماره ۷۳.
- Adam S. Harris, Michael G. Findley (2012), Is Ethnicity Identifiable? Lessons from an Experiment in South Africa, Journal of Conflict Resolution, First Published October 10, 2012.
- Gregory J. Goalwin (2018). "Religion and Nation Are One": Social Identity Complexity and the Roots of Religious Intolerance in Turkish Nationalism, Volume 42, Issue 2.
- Hall, Stuart (1996): QUESTION OF CULTURAL IDENTITY, IN BOOK 'Modernity and its Futures', Cambridge: Polity Press.
- Michalinos Zembylas, Loizos Loukaidis, Marios Antoniou & Petroula Antoniou (2018). The Political Function of Religious Education in an Ethnically Divided Society: Greek-Cypriot Teachers' Perspectives on Conflict, Peace, and Religious Teaching, Religion & Education.
- Rezarta, Bilali. Yeshim, Iqbal. Ays Betül, Çelik (2018), International Journal of Intercultural Relations, Volume 65, June 2018, Pages 73-85.
- F.Sakhiyeva, Berdibayeva, A.Shomanbayeva, A.Kalkhojayeva (2014), Ethnic Identity as an Ethnic Identity Aggregate Value Orientations, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 114, 21 February 2014, Pages 415-419.
- Fons J.R. van de Vijver, Jan Blommaert, Georgia Gkoumasi, Maria Stogianni (2015). On the need to broaden the concept of ethnic identity, International Journal of Intercultural Relations 46 (2015) 36-46.
- Blitvich, Conejos (2018). Globalization, transnational identities, and conflict talk: The superdiversity and complexity of the Latino identity. Journal of Pragmatics. Available online 28 February 2018.
- Karen Phalet, Fenella Fleischman, Jessie Hillekens (2017). Religious Identity and Acculturation of Immigrant Minority Youth, Toward a Contextual and Developmental Approach. European Psychologist (2018), 23, pp. 32-43.
- Kate Miriam Loewenthal, Lamis S. Solaim (2016). Religious Identity, Challenge, and Clothing: Women's Head and Hair Covering in Islam and Judaism, Journal of Empirical Theology, Volume 29, Issue 2, pages 160 – 170 Publication Year: 2016.

- Shaban, Darakchi (2018). Gender, religion, and identity: Modernization of gender roles among the Bulgarian Muslims. *Women's Studies International Forum*, Volume 70, September–October 2018, Pages 1-8
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998) *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks: Sage Publications.
- Guba, E.G; Lincoln, Y.S (1994), *Hand Book of Qualitative Research*, in Denzin, N.K.and Lincoln, Y.S. (Eds), *Compering paradigms in qualitative Reseach*, pp. 117-195.